

سرمشق مدیریت و تعهد

یادی از زنده یاد دکتر علی سرافراز یزدی، رئیس پیشین دانشگاه فردوسی و نماینده فقید مشهدی ها در مجلس به بهانه سالروز درگذشتش



آزاده هشتم سنبل نویسنده

یکم / فرودگاه مشهد
دنیاله نام خانوادگی اش آدم را می کشاند سمت یادگیرها. سمت کوچک پس کوچک های کاهگلی و تکیه های قدیمی. اما همه چیز از مشهد آغاز شد. ریشه هایش یزد بود و نخستین جوانه های زندگی اش در مشهد روید. شهری که به او هویت داد. همینجا کودکی کرد. همینجا نخستین بار نام کوچکش را دست و پا شکسته روی کاغذ نوشت. بزرگ تر شد. قد کشید. دبیرستانی شد. آزمون داد و سراز بهترین دانشگاه شهر درآورد. هنوز سه سالی مانده بود به پیروزی انقلاب اسلامی. آخرین امتحانات پایان ترم را در دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی سیری کرد و زمانی که مدرک لیسانس شیمی اش را گرفت. با یک جمدان به طرف پروازهای خروجی فرودگاه رفت. مقصد، انگلستان بود. دانشگاه بیرمنگام. پنج سال بعد در حالی به ایران برگشت که تازه اول جنگ بود. حالا دکتر علی سرافراز یزدی با مدرک دکترای شیمی. از جمله



دانش آموزان برجسته کشوری به شمار می آمد که می توانست یکی از شایسته ترین گزینه ها برای ریاست دانشگاه ارومیه باشد. پس بار دیگر با همان جمدانی که آمده

بود. راهی فرودگاه شد. این بار، سالن پروازهای داخلی. به جدول حرکت پروازها نگاه می کرد. او مسافر شهری بود که قرار بود نخستین تجربه مدیریتی اش را در سطح دانشگاهی تجربه کند. او حالا ایران بود و یقین داشت ظرفیت های علمی جوان های ایرانی. هیچ کم از دانشجویان دیگر کشورها ندارد. چه بسا چندین گام جلوترند. وقت پرواز رسیده بود. جمدانش را برداشت و قدمی پیش از خروج. برگشت. رو به تصویر حرم مطهر در سالن فرودگاه ایستاد. دستی به سینه اش گذاشت. صلوات خاصه را آرام زیر لب زمزمه کرد و از امام رئوف خواست هرگز توفیق خدمت به خلق خدا را از او نگیرد.

دوم / دانشگاه مشهد

بار دیگر مشهد. شهری که مدیون نان و نمکش بود. برگشت؛ باکوله باری از تجربه و خاطره. درست مثل همان روزی که از انگلیس به مشهد برگشته بود. هیچ کجا خانه خود آدم نمی شود. بناسبت به عنوان مسئول دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشغول خدمت شود. همان دانشگاهی که اولین بار خودش در قامت دانشجویی مشتاق و با انگیزه در آن تحصیل می کرد و حالا در مقام یکی از مسئولان رده بالای دانشگاه به آن بازگشته بود. چهار سال بعد. با سمت معاونت آموزشی دانشکده علوم. به فعالیت خود در جایگاه تازه اش ادامه داد و خیلی زود با اثبات توانمندی هایش، به ریاست دانشگاه فردوسی انتخاب شد. دکتر سرافراز را تمام دانشجویان دوست داشتند. مثل پدرها بود. پدری که خودش را هم قدر فرزندش می کند و اگر توصیه ای دارد. شانه به شانه او. در گوشش زمزمه می کند. پشت تریبون است. اما نگاهش هرگز بالا به پایین نیست. بابت هر آنچه که می گوید. رشته مویی سپید کرده. ایستاده پشت بلندگو در جمع همکاران و دانشجویان. دل سوزانه از تجربیاتش می گوید. «هر کاری به ما محول می شود سعی کنیم به خوبی و با وقت آن را انجام دهیم. زیرا ما در مکتبمان معتقد هستیم که عالم محضر خداست و همه ما در پیشگاه خداوند هستیم. چطور زمانی که ما در مقابل پدرمان، اساتیدمان یا یک روحانی عالی قدری قرار می گیریم. خودمان را جمع و جور می کنیم و مواظب کارداران، رفتارمان و حرف زدنمان هستیم. پس اگر در همه وقت و در همه کارهایمان خود را در محضر خدا بدانیم همه کارها به درستی انجام می شود. زندگی انسان فقط شیمی و فیزیک

خانه ای روی آب

درباره شیوخ حاشیه نشین خلیج فارس که دست از ادعاهای واهی درباره جزایر ایرانی برنمی دارند



با بهای سنگین سرکوب آزادی های سیاسی، نقض حقوق بشر، بی عدالتی های اجتماعی و ایجاد شکاف طبقاتی به دست آمده است. پشت این نقاب، یک نظام استبدادی پنهان است که با فرافتنی و ادعاهای غیر واقعی سعی در پنهان کردن ضعف های داخلی خود دارد. مشخصا پس از آغاز بهار عربی در سال ۲۰۱۱، امارات به یکی از سرکوبگران منطقه تبدیل شد و به بهانه جلوگیری از آزارهای سیاسی، فعالان حقوق بشری و منتقدان سیاسی را بازداشت و زندانی کرد.

ادعاهای ارضی بی اساس
سیاست های خارجی امارات نیز در سطح منطقه ای همواره با جاه طلبی های ارضی همراه بوده است. ادعای مالکیت این کشور بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک که تاریخی طولانی و روشن به عنوان بخشی از خاک ایران دارند، نمونه بارز این اقدامات است. این ادعا که توسط دولت های اماراتی مطرح شده، کاملاً بی اساس بوده و با اسناد تاریخی و حقوقی مغایرت دارد. امارات که خود کشوری نوظهور است و تنها چند دهه از تأسیس آن می گذرد، تلاش می کند تا از طریق این گونه ادعاها خود را به عنوان یک قدرت منطقه ای معرفی کند و در شرایطی که خاورمیانه به خاطر جنگ افروزی های رژیم صهیونیستی ملتهب است، به خیالش ایران را به گوشه ریختن برسد. این ادعاها بیشتر به عنوان



روزنامه نگار محمّد غنّی زاده

با گذشت بیش از پنجاه سال از تعیین تکلیف مالکیت ایران بر جزایر سه گانه که تعلقش به ایران ریشه تاریخی چندین هزار ساله کشورمان دارد. حاکمان امارات متحده عربی، همچنان به تحرکات خود برای به چالش کشیدن تمامیت ارضی ایران ادامه می دهند و اصرار دارند که خودشان را در فضای بین المللی مضحکه کنند. نکته طعنه آمیز این است که آخرین مناقشه جدی بر سر جزایر و رسمیت یافتن ابدی مالکیت ایران بر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، در زمان پهلوی اتفاق افتاده که تاریخچه آن از سن و سال استقلال کشور نوپای امارات متحده عربی هم بیشتر است.

معمار پیشرفت با پایه گذار استبداد؟

شیخ زاید بن سلطان آل نهيان، بنیان گذار امارات متحده عربی که اغلب به عنوان رهبری توسعه گرا شناخته می شود، مسیری علی حده در کشورداری پیش پای خاندانش گذاشته است. این مجموعه که با متحد شدن هفت امارت عربی شکل کشور به خودش گرفته، همچنان به شکل طایفه ای اداره می شود و یک خاندان منتفذ به شکل موروثی و دوره ای از این مخزن نفتی خلیج فارس ارتزاق می کنند. شیخ زاید، کشوری را تأسیس کرده که عملاً به اصل تفکیک قوا و مبنای دموکراسی بی اعتناست و ریشه های خانوادگی و قبیله ای در آن به مراتب موثرتر از شایستگی های سیاسی هستند. او، به پشتوانه منابع نفتی و حمایت دولت های اروپایی، توانست روکش مدرنیسم را بر تن امارات متحده بیوشاند و مشخصاً در راه یک مرکز تجاری جهانی مبدل سازد. با این حال، پشت این چهره مدرن، رویکرد های سرکوبگرانه و نقض های جدی در حوزه حقوق بشر، نظام سیاسی و اجتماعی امارات وجود دارد که نمی توان از آن ها چشم پوشی کرد. نگاه دقیق به میراث شیخ زاید و رژیم صهیونیستی که بنیان نهاده، نمایانگر این موضوع است که توسعه اقتصادی و ظاهری امارات چشمگیر است، اما این پیشرفت

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیر مسئول: سید مهتم موسوی مهر سردبیر: سید مسجد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸-۱۵ شماره تماس: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸-۱۵ شماره پیامک: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸-۱۵

SHAHRARANEWS.IR
شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۰۳
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

مشاقنامه اخلاق حرفه ای

دمای هوای مشهد ۸۳٪ رطوبت هوا ۱۶° ↑ ۸° ↓

صبح ۱۰ ظهر ۱۴ عصر ۱۳ شب ۱۱

اذان ظهر ۱۱:۱۵:۵۵ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۳:۳۹ غروب آفتاب ۱۶:۴۶:۲۲ اذان صبح فردا ۰۴:۲۱:۴۷ اذان مغرب فردا ۱۷:۰۴:۵۹ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۴۴:۲۵

کوچه



این جزایر تا ابد ایرانی اند

دروغ می گویند که مشکشان با جمهوری اسلامی است. آن ها ایران جغرافیایی و تاریخی و هویتی را هدف گرفته اند. آنچه بنگاه های خبرپرانی صهیونیستی در پیش گرفته اند دقیقاً تمامیت ارضی ایران را و تمامیت عرض و آبروی ایرانیان را تهدید و تخریب می کند. صهیون اینترنشنال که نام مقدس ایران را به عصب پیشوند نام حقیر خود کرده است، بی بی سی و دیگر رسانه های که آشخورشان، گنداب صهیونیسم است، فارسی زبانان اجاره ای که به سر بازی دشمن رفته اند، همه و همه کلمه به کلمه و تصویر به تصویر هم داده اند تا با مهندسی تصورات، آنچه دشمن می خواهد را اول در ضمیر جهانی و بعد اگر نتوانند در زمین ما محقق کنند. فضای مجازی هم شده است سرای کسانی که وقتی با پدر قهر می کنند شیشه خانه را می شکنند. نمی فهمند که شیشه شکسته خودشان را بیشتر در معرض سوز قرار می دهد. نمی فهمند که اکنون زمان من و تویی نیست. وقت گروگشی هم نیست. زمان کنار هم ایستادن برای وطن است. ایران همه ما را کنار هم می خواهد. با همه سلایقی که داریم باید توانمان را روی هم بگذاریم چنان که برای ساختن خانه، خشت روی خشت می گذارند. اندک توجهی کافی است تا ببینیم از هر سو برای هستی ما دندان تیز کرده اند. پیوسته هم به بد خواهی برای ایران ضریب می دهند. همین ماجرای جزایر سه گانه تا ابد ایرانی را در نظر بگیریم. دشمنان وطن یک روز شرق را کنار خود می کشند و از آن ها برای حق نمایی توقع باطل خود امضای گیرند و دیگر روز امضای غرب را پای بیانیه خود می نشانند. از روسیه و چین گرفته تا بلوک غرب و اخیراً اتحادیه اروپا را کشورهای حاشیه خلیج فارس به باری خواسته اند تا برای تعبیر خوایشان کمک کنند. آن ها برای جعل تاریخ پول خرج می کنند و برای عصب خاک و پاره کردن پیراهن مادران تیز اجاره می کنند. می پندارند وقت را مناسب یافته اند. به ویژه که گله گرگ های صهیونیست و کتارهای اجاره ای را همبای هجوم به شیران می بینند. می پندارند می توانند نقشی که همواره بر آب می زدند را بر خاک رسم کنند، اما نمی دانند شیر چون بر خیزد، هم گله گرگ و کفتار را خواهد تاراند و هم پیشه خود را چنان نگه خواهد داشت که دست های دراز شده از همیشه کوتاه تر شوند. برخاستن شیر از نقشه ایران، نقش آفرینی همه ایرانیان را می طلبد. هوشیاری و همراهی همه ما را اقتضای می کند. در زمین رسانه ای دیگران نباید خانه کرد. کار خویش را باید دقیق انجام داد تا آرزوی بیگانه با هم بیگانه با واقعیت باشد.



روزنامه نگار غلامرضا تاباطبی

حکایت

عمر عبد العزیز ابو قلابه را گفت: مرا پندی ده. گفت: تو را چه پند دهم؟ اگر اندیشه کنی که خلیفه ای که پیش از تو بود کجا شد، تو را هیچ حاجت به پند من نیابد.

ابوحامد کرمانی

منبع: کتاب: خواندنی های ادب فارسی، کاری از دکتر علی اصغر حبلی

خلیج همیشه پارس

با هر نگاه، بر آسمان این خاک هزار بوسه می زنم. نسیم را از «رود سپید» و آسمان «خزر» و خلیج همیشه شگفتی فارس می گیرم من نگاهم. از تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی نور می گیرد من عشقم را در کوه گواتر. در سرخس و خرمشهر. به زبان مادری فریاد خواهم زد. تنگم در دست و سرودم بر لب همه ایران را می بوسم من خورشید هزار پاره عشق را. بر خاک وطن می آویزم ای وارثان پاک من آخرین نگاهم بر آسمان آبی این خاک و خلیج همیشه فارس فارس فارس خواهد بود. عادل حسینی

کارتون شهر

مجید ادیب